

کارگران ضد شوروی، اتحادیه های کارگری آذربایجان در دهه سی

طاهر احمدی، محمود

زمانه ، شماره ۳۸

یکی از مهمترین کانونهای قدرت و نفوذ حزب توده در ایران، ناحیه آذربایجان بود و بر همین اساس اتحادیه های کارگری متعددی در تبریز و سایر مناطق تحت نفوذ شوروی پدیدار شدند. جالب آنکه تشکیل اتحادیه های کارگری در آن شرایط خاص برای کمونیستها و توده ای ها تناقض بار شده بود؛ چراکه از طرفی انقلاب کمونیستی و مرام حزب توده بر انقلابهای توده ای و کارگری استوار بود و اساس ایدئولوژیکی آن بر مبنای مقابله با رابطه ظالمانه کارفرما و کارگر قرار داشت اما از طرف دیگر رفتارهای اعتراض گونه و اعتصابات کارگری می توانست کمک رسانی کارخانه های صنعتی تبریز و سایر مناطق به شورویهای در حال جنگ با متحدین را دچار وقفه کند. بر اساس همین تناقض بود که نخستین اتحادیه کارگری در آذربایجان، توسط کسانی مانند یوسف افتخاری بنیانگذاری شد که علیرغم اهداف و گرایشات مارکسیستی، با حزب توده و سیاستهای حزب کمونیسم مخالف بودند. مخالفتهای حزب توده علیه رهبران و کارگران این اتحادیه، خود ماجرای عجیب و جالب توجهی است که در این مقاله آن را مرور خواهید نمود .

ساعت چهار بامداد سوم شهریور ۱۳۲۰، سفیر اتحاد جماهیر شوروی و وزیرمختار انگلیس در تهران به دیدار علی منصور، نخست وزیر دولت ایران، رفتند و طی یادداشتهای مشابه، به آگاهی وی رساندند که نیروهای نظامی دو دولت از مرزهای ایران گذشته و وارد خاک کشور شده اند. ارتش سرخ از سه طرف و در سه ستون، وارد خاک ایران شد: ستون اول از محور جلفا به سوی تبریز حرکت کرد، ستون دوم از راه آستارا به سوی انزلی و رشت به پیشروی پرداخت و ستون سوم به ناحیه مرزی شمال شرقی خراسان هجوم برد. به این ترتیب، سراسر خطه شمال به اشغال ارتش شوروی درآمد و آنان سپس با پیشروی به سوی جنوب، در نهم شهریور به نیروهای ارتش انگلیس در قزوین ملحق شدند. [۱]

اندکی پس از ورود متفقین به ایران و فروپاشی حکومت خودکامه رضاشاه، گونه ای از کثرت گرایی سیاسی نمایان شد که نخستین نشانه آن تاسیس احزاب سیاسی و سازمانها و جمعیت های صنفی و سیاسی بود. در این میان پس از تاسیس حزب توده ایران در هفتم مهر 1320، چندتن از سردمداران جنبش کارگری ایران مانند آرداشس (اردشیر) آوانسیان و رضا روستا - که در روزگار رضاشاه به خاطر فعالیت های از این دست، دستگیر و زندانی شده بودند - تصمیم گرفتند با سازماندهی کارگران و احیای جنبش کارگری، نهضت کمونیستی ایران را تقویت کنند و بر کانونهای صنعتی کشور چیره شوند. [۲] حاصل تلاش این دو کمونیست کهنه کار، در بدو امر، تشکیل شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران در اسفند ۱۳۲۰ بود .

در آن روزها، افزون بر شورای مرکزی اتحادیه های کارگران ایران، اتحادیه های دیگری مانند اتحادیه کارگران و برزگران ایران، کانون کارگران راه آهن و اتحادیه زحمتکشان ایران نیز به فعالیت سندیکیایی اشتغال داشتند. اتحادیه کارگران و برزگران ایران را یوسف افتخاری، یکی از رهبران جنبش کارگری خوزستان، تاسیس کرد. وی کسی بود که پیش از آن نیز یکبار به جرم فعالیت در سازماندهی اعتصاب کارگران صنعت نفت بازداشت و روانه زندان شده بود. کانون کارگران راه آهن که در مرداد ۱۳۲۲، تشکیل گردید، در حقیقت بازسازی شده اتحادیه کارگران راه آهن بود که رضا ابراهیمزاده

(کارگر راه‌آهن) سالها پیش آن را از بدو راه‌اندازی راه‌آهن در ایران، تاسیس کرده بود. ابراهیم‌زاده، اهل تبریز بود. وی در سال ۱۳۱۰، در مازندران به جرم سازماندهی نخستین اعتصاب در راه‌آهن، دستگیر شد و در زندان با گروه پنجاه‌وسه نفر آشنا گردید. با لحاظ این سابقه بود که او پس از شهریور ۱۳۲۰، با اتحادیه وابسته به حزب توده به همکاری پرداخت. اتحادیه زحمتکشان ایران که مشی کمونیستی داشت و چندان هم شناخته شده نبود، توسط رضا ابراهیم‌زاده و ابراهیم‌علیزاده بنیان نهاده شد. [۲]

هیچ‌کدام از این اتحادیه‌ها مورد تأیید حزب توده نبودند؛ چراکه حزب توده قصد داشت همه آنها را در یک اتحادیه وابسته به خود مستحیل کند و رهبری آنها را به دست گیرد. حزب توده صریحا «با هرگونه سکتاریسم (فرقه‌گرایی) از جمله سکتاریسم سندیکایی» مخالفت می‌کرد و تلاشهای انشعاب‌گرانه در اتحادیه‌های صنفی زحمتکشان را برنمی‌تابید و در عین حال تأکید می‌کرد که قصد ندارد ایدئولوژی خاصی را بر دیگران تحمیل کند. [۴] در راستای این هدف بود که شورای مرکزی اتحادیه‌های کارگران ایران، همه سازمانها و اتحادیه‌های کارگری را فراخواند تا به اتفاق، اتحادیه نیرومندی تشکیل دهند و از طریق آن بتوانند با قدرت بیشتری از منافع طبقه کارگر ایران حمایت کنند. [۵]

در پاسخ به دعوت شورای مرکزی در یازدهم اردیبهشت ۱۳۲۳. ش/ اول مه ۱۹۴۴ م (روز کارگر)، بیشتر اعضای اتحادیه کارگران و برزگران به شورای مرکزی پیوستند. حدود چهل‌وپنج روز بعد کمیته مرکزی اتحادیه‌های زحمتکشان ایران و کانون کارگران راه‌آهن نیز به ادغام با شورای مرکزی تن دادند و «شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران» را بنیان نهادند. رضا روستا، به‌عنوان دبیر اول شورای متحده برگزیده شد و روزنامه ظفر نیز به‌عنوان ارگان شورا کار خود را آغاز کرد. [۶] از آن‌پس شورای متحده مرکزی با نفوذ خود در میان کارگران سراسر کشور و به‌ویژه در استانهای شمالی که در همسایگی اتحاد شوروی قرار داشتند، به موفقیت‌هایی دست یافت [۷] و از جمله موفق شد تا پایان سال ۱۳۲۴، سیصدوپنجاه‌هزار کارگر را زیر پوشش تشکیلاتی خود قرار دهد [۸] و آنان را به فعالیت در سازمانهای اجتماعی راغب سازد. از آن‌سو، آذربایجان که در دوران قاجاریه از مناطق نفوذ سنتی روسیه تزاری به‌شمار می‌رفت و در شهریور ۱۳۲۰، به تصرف ارتش سرخ درآمده بود، همچون دیگر استانهای شمالی از وضعیت متفاوت با بقیه نقاط کشور برخوردار بود. در آن‌ایام واحدهای رزمی ارتش سرخ منطقه‌ای وسیع از رودخانه ارس تا شریف‌آباد قزوین را در سیطره خود گرفتند و دولت ایران تقریباً بر آن منطقه حاکمیت نداشت. در این‌حال از همان زمستان ۱۳۲۰، تعدادی از کارگران ایرانی که قبلاً برای کار به قفقاز رفته بودند، زیر نظر مقامات جمهوری آذربایجان، سازمان زحمتکشان آذربایجان را برپا کردند [۹] که بر اثر آغاز فعالیت حزب توده در آذربایجان [۱۰] خیلی زود از هم پاشید و فعالیت آن تعطیل شد. در هیجدهم فروردین ۱۳۲۱، یعنی هفت‌ماه پس از تشکیل حزب توده ایران، شعبه محلی این حزب در آذربایجان، به‌نام کمیته ایالتی آذربایجان، به‌طور رسمی در تبریز گشایش یافت [۱۱] و به‌نام توده آذربایجان در تمام بخشها مشغول اقدام شد [۱۲] و به گفته محتشمی، فرماندار تبریز، به «تحریک رعایا علیه اصل مالکیت پرداخت» [۱۳] و برگزاری میتینگ در برابر تجارتخانه‌ها و توهین و فحاشی به تجار [۱۴] را پیشه خود ساخت. با اینکه تبریز شهری صنعتی بود، شورای متحده مرکزی نه‌تنها هیچ تلاشی برای سازماندهی سی‌وپنجاه‌هزار کارگر کارخانه‌ها و کارگاههای آن انجام نداد، با هرگونه فعالیت سندیکایی و تکاپوهای کارگری در قالب اعتصاب و...، به‌شدت مخالفت می‌کرد. حزب توده و به‌تبع آن شورای متحده مرکزی، در توجیه این رفتارشان، فعالیت‌های سندیکایی را سدی در راه پیروزی نبرد آزادیخواهانه متفقین بر ضد فاشیسم می‌دانستند. درحقیقت فرآورده‌های اغلب کارخانه‌های تبریز صرف برآوردن نیازهای جنگی اتحاد شوروی می‌شد و لذا تشکیل اتحادیه کارگری، آن‌هم از سوی حزب توده، خلاف منافع حامیان حزب بود؛ از این‌رو

اعتصاب به منظور افزایش دستمزد و بهبود اوضاع نابسامان کارخانه‌ها، دشمنی با آزادی و حمایت از جبهه متحد فاشیسم تلقی می‌شد. با این وجود حزب توده مدعی بود در همین اوضاع و احوال جنگی، توانسته است با بهره‌گیری از شیوه‌های مسالمت‌آمیز، اختلاف‌های میان کارگران و کارفرمایان را حل و فصل کند. از نظر آنها، اقدام به اعتصاب فقط در کارخانه‌هایی باید انجام می‌شد که تولیدات آنها نقشی در رفع نیازهای جنگی نداشته باشد. [۱۵] اینک به راحتی می‌توان دریافت که چرا نخستین اتحادیه کارگری در آذربایجان را کسانی بنیان نهادند که گرایش‌های ضدشوروی داشتند و با حزب توده علناً مخالفت می‌کردند. یوسف افتخاری یکی از کسانی بود که با تلاش‌های او اتحادیه کارگران و بزرگان ایران، در اوایل سال ۱۳۲۱ پا گرفت و به سرعت، از آذربایجان تا گرگان را زیر پوشش خود قرار داد. این اتحادیه در تهران و خوزستان نیز فعالیت داشت و از پشتیبانی کارگران غیرتوده‌ای برخوردار بود. [۱۶]

یوسف افتخاری، در سال ۱۲۸۱ در اردبیل زاده شد. وی در پانزده سالگی، مقارن با پیروزی انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه، به قفقاز رفت و در بادکوبه (باکو) به تحصیل پرداخت. او سپس وارد دانشگاه کوتو در مسکو شد و تحصیلات خود را در همان‌جا به پایان رساند. افتخاری در سال ۱۳۰۶، پس از بازگشت به ایران به خوزستان رفت و در پالایشگاه آبادان مشغول به کار شد و بر اثر فعالیت‌های سندیکایی به زندان افتاد. وی، پس از شهریور ۱۳۲۰، به همراه دیگر زندانیان سیاسی آزاد شد و بی‌درنگ از سوی حزب توده به عضویت در کمیته مرکزی فراخوانده شد، اما به سبب آشنایی با سران حزب و آگاهی از وابستگی برخی از آنان به دولت شوروی، از عضویت در آن حزب سرباز زد و به کمک چند نفر از دوستانش (از جمله با کمک عزت‌الله عتیقه‌چی، خلیل انقلاب‌آذر، رحیم همداد و ابراهیم علیزاده) به سازماندهی کارگران در اتحادیه همت گماشت و با تاسیس روزنامه گیتی در آغاز تابستان ۱۳۲۲، به نشر افکار خود در میان کارگران پرداخت.

حزب توده که با فعالیت اتحادیه کارگران و بزرگان ایران مخالف بود و وجود آن را به‌ویژه در آذربایجان روا نمی‌دانست، درصدد برآمد این اتحادیه را به نحوی از صحنه فعالیت‌های سندیکایی حذف کند. اما این کار به سبب محبوبیت یوسف افتخاری در آذربایجان، به‌ویژه در شهر تبریز، و پشتیبانی دست‌کم هزار کارگر [۱۷] از وی، چندان هم آسان نبود. با این وجود و به‌رغم اینکه اتحادیه کارگران و بزرگان در پی محو مالکیت نبود و نمی‌خواست کشاورزان و کارگران را بر ضد مالکان و کارخانه‌داران بشوراند و رهبران آن نیز همواره تأکید می‌کردند «مقصود ما رفع اختلاف بین سرمایه‌دار و کارگر و تولید ائتلاف مابین آنهاست» تا تولیدات کارخانه‌ها افزایش یابد و بر اثر رونق اقتصادی مزد کارگران بیشتر شود و کار برای بیکاران ایجاد گردد، [۱۸] اما از آنجاکه اهداف این اتحادیه بر افکار مارکسیستی مبتنی بود، دولت و مقامات محلی آذربایجان نمی‌توانستند در برابر تبلیغات اتحادیه بی‌تفاوت بمانند و در پی فرصتی بودند تا فعالیت اتحادیه را غیرقانونی اعلام کرده و از این طریق از شورش‌های احتمالی کارگران جلوگیری نمایند. این مجال، هنگامی دست داد که به گفته فرماندار تبریز، «انتریک یوسف افتخاری باعث شد کارخانه پشمینه و کبریت‌سازی تعطیل شود و درگیری میان کارگران و ماموران شهرداری در خون نشیند.» [۱۹] تعطیلی کارخانه و زدو خورد خونین پس از آن، بهترین بهانه برای طرد رهبران اتحادیه از آذربایجان بود. از این رو «به دستور سرکنسولگری شوروی در تبریز»، یوسف افتخاری و خلیل انقلاب‌آذر در سیزدهم شهریور ۱۳۲۲ به تهران تبعید شدند [۲۰] و این چنین بود که راه برای اجرای برنامه‌های حزب توده و شورای متحده مرکزی در آذربایجان هموار گردید. با این وجود فعالیت حزب توده و شورای متحده مرکزی برای برهم زدن اتحادیه کارگران و بزرگان - که هنوز در تبریز و تهران و بعضی شهرهای مازندران به کار خود ادامه می‌داد - همچنان نافرجام ماند. سرانجام بر اثر ناخرسندی روسها از فعالیت اتحادیه یوسف افتخاری، حزب توده مجبور شد برای ازمیان برداشتن

این اتحادیه، مخالفت خود را آشکارا با خشونت ملازم سازد؛ چنانکه در آغاز پاییز ۱۳۲۳، کارگزاران تشکیلات کارگری حزب توده در تبریز به رهبری محمد بی‌ریا به محل اتحادیه کارگران و برزگران تاختند و وسایل آن را به تاراج بردند. دامنه این رفتار خشونت‌بار برای منزوی کردن یوسف افتخاری، به تدریج چنان گسترده شد که حتی عوامل شورای متحده مرکزی در بیستم اسفند ۱۳۲۴ یوسف افتخاری را از خیابانی در تهران ربودند و در زندان شورای متحده به بند کشیدند. [۲۱] در پی این ماجرا، ابراهیم علیزاده که پیش‌ازین با یوسف افتخاری همکاری می‌کرد، به نمایندگی از سوی شورای متحده مرکزی به تبریز رفت و شورای متحده ایالتی اتحادیه کارگران و زحمتکشان آذربایجان را تاسیس کرد و ریاست آن را نیز به پیشنهاد سرکنسول شوروی به محمد بی‌ریا سپرد. [۲۲]

از آن‌پس شورای متحده آذربایجان با برخورداری از پشتیبانی شوروی به منظور دستیابی به مقاصد صنفی - سیاسی خود، به شیوه‌های زورمدارانه و خشونت‌آمیز متوسل شد و با تهدید و ارباب کارفرمایان، شرایط خود را به آنان تحمیل می‌کرد. [۲۳] دیکتاتوری شورای متحده ایالتی درحالی اعمال می‌شد که با پایان یافتن جنگ دوم جهانی و کاهش چشمگیر سفارشهای ارتش شوروی به کارخانه‌هایی که به حالت نیمه‌تعطیل درآمده بودند، هر روز بر خیل کارگران بیکار افزوده می‌شد و شورای متحده ایالتی که نمی‌توانست برای جلوگیری از بیکاری گام موثری بردارد، به‌جای کارآفرینی، کارگران را به شورش بر ضد دولت تحریک می‌کرد. در گزارش بیست‌ونهم اردیبهشت ۱۳۲۴ شهربانی تبریز، آمده است: «در حدود نهمصد نفر از افراد اتحادیه کارگران، در چهارراه دانشسرای نسوان اجتماع کردند و راجع به بیکاری سخنرانی و در حدود پنج‌هزار نفر کارگر آنجا از دولت تقاضای به‌کار انداختن راه‌آهن میانه به تبریز را که فعلاً تعطیل است، نمودند.» [۲۴] در گزارش دیگری در چهاردهم مرداد، مامور شهربانی نوشته است: «به مناسبت عید مشروطیت، کارگران و پیشه‌وران در جلوی باغ گلستان اجتماع نموده و راجع به درخواست تشکیل انجمن ایالتی و ولایتی، اعتراض و در مخالفت با کابینه فعلی [دولت صدراالاشراف]، [و در حمایت از فراهم‌نمودن] کار جهت بیکاران سخنرانی و تلگرافاتی نیز در این باب تهیه و به مرکز مخابره نمودند.» [۲۵] درگیری شورای متحده ایالتی با کارفرمایان و برپایی میتینگ و بلوا بر ضد دولت، همچنان ادامه داشت تا اینکه با اعلان حکومت خودمختار در آذربایجان (در شهریور ۱۳۲۴)، شورای متحده ایالتی به حزب دموکرات آذربایجان پیوست و زیر لوای آن فرقه رفت. در این باره علی امیرخیزی، یکی از رهبران حزب توده آذربایجان در شماره ۸۲۹ روزنامه رهبر، طی یادداشتی اعلام کرد: «تشکیلات حزب توده ایران در آذربایجان، به اتفاق اتحادیه‌های کارگران، در دوازدهم شهریورماه ۱۳۲۴، مانند یک اردوی مقتدر به حزب دموکرات آذربایجان پیوست و افراد و سران حزب توده ایران در حزب دموکرات آذربایجان با تجدید قوا و با روش انقلابی به فعالیت خود ادامه دادند تا معنی قدرت توده‌ها را در یک گوشه ایران به نمایش بگذارند.» [۲۶]

این‌که نقش کارگران در دولت خودمختار آذربایجان چه بود و برنامه آن دولت در بازسازی صنعت و تهیه کار برای بیکاران به کجا انجامید، در حیطه موضوع این نوشتار نمی‌گنجد، اما پس از سرنگونی فرقه دموکرات آذربایجان، دوران فعالیت شورای متحده ایالتی نیز به سر رسید و از آن‌پس هیچ اتحادیه‌ای اجازه نیافت در آن سامان به فعالیت‌های سندیکایی اقدام کند. حتی یوسف افتخاری نیز که مخالف فرقه دموکرات بود و در دوره چیرگی آن حزب بر آذربایجان، توانسته بود تشکیلات خود را مخفیانه حفظ کند و از تعرض حکومت خودمختار مصون نگه‌دارد، اجازه نیافت اتحادیه کارگران و برزگران را بازسازی کند و مشغول فعالیت‌های سندیکایی شود؛ زیرا پس از سقوط حکومت خودمختار در بیست‌وششم آذر ۱۳۲۵، خود دولت مرکزی اداره همه امور کارگری را مستقیماً بر عهده گرفت .

پی‌نوشت‌ها

- [1]- در این باره از جمله رک: درباره سوم شهریور و نقش ایران در جنگ جهانی دوم، تهران، مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی، ۲۵۲۶، صص ۵۵-۶۳
- [2]- در این باره رک: اردشیر آوانسیان، خاطرات اردشیر آوانسیان، تهران، نشر نگره، ۱۳۷۶، صص ۱۲۵-۱۲۲
- [3]- در این باره رک: محمود طاهر احمدی، «درآمدی بر اتحادیه‌های کارگری خوزستان»، فصلنامه گفتگو، پاییز ۱۳۷۸، شماره ۲۵، صص ۴۷-۶۲
- [4]- حسین جودت، حزب توده ایران و جنبش سندیکایی کارگران ایران در چهل سال در سنگر مبارزه، تهران، انتشارات حزب توده ایران، ۱۳۶۰، صص ۱۲۷-۱۲۶
- [5]- تاریخچه مختصر شورای متحده مرکزی اتحادیه‌های کارگران و زحمتکشان ایران، بی‌جا، بی‌تا، ص ۸
- [6]- حسین جودت، همان، ص ۱۲۷
- [7]- در این باره رک: پروانده آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ترجمه: احمد گل‌محمدی و محمد ابراهیم فناحی، تهران، نشر نی، ۱۳۷۷، صص ۴۳۳-۴۳۱
- [8]- مهندس زاوش، پیدایش و تکامل سندیکاها، شورای متحده مرکزی...، تهران، ۱۳۲۴، دیباچه شورای متحده مرکزی .
- [9]- اردشیر آوانسیان، همان، صص ۲۰۸-۲۱۱
- [10]- درباره فعالیت حزب توده در آذربایجان از جمله رک: اسناد احزاب سیاسی ایران (حزب توده ایران)، ج ۱، به کوشش بهروز طیرانی، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، تهران، ۱۳۸۴، صص ۲۵۱-۱۴۳
- [11]- تورج اتابکی، آذربایجان در ایران معاصر، ترجمه: محمدکریم اشراق، انتشارات توس، تهران، ۱۳۷۶، ص ۱۰۲
- [12]- اسناد احزاب سیاسی ایران، همان، ص ۴۹، سند ۲۸
- [13]- همان، ص ۴۷، سند ۲۸
- [14]- همان، ص ۵۶، سند ۳۴
- [15]- تاریخچه مختصر شورای متحده، همان، ص ۱۰

- [16] - درباره یوسف افشاری و اتحادیه‌اش رک: خاطرات دوران سپری‌شده، به کوشش کاوه بیات - مجید تفرشی، تهران، انتشارات فردوس، ۱۳۷۰
- [17] - اسنادی از اتحادیه‌های کارگری، به کوشش محمود طاهراحمدي، تهران، انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹، ص ۱۸، سند شماره ۷
- [18] - برگرفته از متن سخنرانی خلیل انقلاب‌آذر در تبریز. نک: همان، صص ۱۶-۷، سند شماره ۲
- [19] - همان، ص ۱۸، سند شماره ۷
- [20] - همان، ص ۲۳۷، سند شماره ۱ و ص ۷ سند شماره ۶
- [21] - خاطرات دوران سپری‌شده، همان، ص ۹۳
- [22] - حبیب لاجوردی، اتحادیه‌های کارگری و خودکامگی در ایران، ترجمه: ضیاء صدقی، تهران، نشر نو، ۱۳۶۹، صص ۱۸۲-۱۸۴
- [23] - در این باره رک: همان، صص ۱۹۱-۸۴
- [24] - سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران، شماره تنظیم ۱۰۹۰۰۳، شماره پاکت ۱۲۵۹
- [25] - همان .
- [26] - اقدامات غیرقانونی شورای متحده مرکزی، ج ۱، نشریه وزارت کار، تهران، ۱۳۲۶، چاپ دوم، ص ۷